

## بسم الله الرحمن الرحيم

نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۲۰ اسفند ۱۳۹۴

### آیه مورد بحث

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ  
الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (آل عمران، ۱۱۰)

### شرایط امر به معروف و نهی از منکر

در بین احکام مقدسه‌ی اسلام امر به معروف و نهی از منکر یک واجب با اهمیت است که ترک آن از معاصی کبیره شمرده شده و شروطی برای فعلیت پیدا کردن آن ذکر شده است. این شروط از روایاتی استنباط شده که از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین به دست ما رسیده و در کتب اخلاقی هم وارد شده است. شرط اول برای فعلیت پیدا کردن این واجب این است که شخص مکلف بایستی کاملاً نسبت به مصادیق معروف و منکر آگاهی داشته باشد. چنین فردی باید بداند چه چیز از دیدگاه اسلام منکر و ناپسند است که اگر متوجه شد کسی مرتکب می‌شود، وظیفه پیدا کند به آن شخص تذکر بدهد.

آن چه که در امر به معروف و نهی از منکر از مشکلات محسوب می‌شود و بایستی انسان متدین مؤمن از آن آگاه باشد، این است که در هر موردی یک نوع امر به معروف یا نهی از منکر مطلوب شارع مقدس و حق تعالی است. اگر انسان مسئله را دانست، امر به معروف و نهی از منکر در همه‌ی موارد به یک صورت نیست. تشخیص معروف و منکر شرعی از دو راه ممکن است: یا باید به وسیله‌ی کتب، مثل رساله‌ها این تشخیص را به دست آورد یا باید به کلام انسان‌های مطلعی که مورد اعتماد هستند، گوش فراداد.

### تفاوت بین خیر و شر از دیدگاه دین و از دیدگاه مردم

اشتباه افراد در شناخت معروف و منکر اختصاص به زمان حال ندارد و از زمان نزول قرآن کریم مردم با این مشکل روبرو بوده‌اند. خدای متعال در قرآن می‌فرماید: "كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ". وظیفه‌ی جنگ با کفار و دشمنان دین بر عهده‌ی شما گذاشته شده است، ولی وقتی این وظیفه به شما ابلاغ می‌شود شما از اجرای این تکلیف کراهت دارید. یعنی شما به ضد آن تمایل دارید. منظور از "کره لکم" یعنی مکروه شما است، مکروه شرعی نیست، بلکه مکروه تکوینی است. مثلاً اگر پزشک یک داروی تلخ برای انسان تجویز کند، عده‌ای از انسان‌ها، به اصطلاح عرفی بد دوا هستند، یعنی برای آن‌ها مشکل است که از داروی تلخ و بدمزه استفاده کنند.

هنگامی که حق تعالی برای مکلفین صدر اسلام قتال را مورد تکلیف قرار می‌دهد و می‌فرماید: شما از این وظیفه بدتان می‌آید، این جمله به تعبیر اهل علم، یک صغری برای کبرایی است که در ادامه می‌فرماید: "عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ" شما از بعضی چیزها بدتان می‌آید و سلیقه و ذائقه‌ی طبیعی شما آن‌ها را نمی‌پسندد، حال آن که خیر شما در آن است. به عنوان مثال جنگ با دشمنان است که احتمال کشته شدن و مجروح شدن در آن وجود دارد. انسان خودش را و سلامتی خود را دوست دارد. حب به ذات، یک محبت تکوینی و طبیعی است. خدای متعال می‌فرماید: چه بسا چیزهایی که دوست می‌دارید در حالی که برای شما شر است و مفسده و عاقبت بد دارد. محرمات و گناهان اکثراً این گونه است. غیبت کردن و تهمت زدن از محرمات است، اما بسیاری از مردم از آن لذت

می‌برند. حال آن که خدای متعال می‌فرماید: این کارها برای شما شر و مفسده دارد. چه مفسده‌ای بالاتر از این که انسان نمی‌تواند در قیامت جوابگوی ارتکاب به این دو نوع گناه باشد و به عقاب و عذاب آن مبتلا خواهد شد.

نتیجه کلی این است که تمام دستورات دینی با نفس اماره و بعد حیوانی انسان مطابقت ندارد و همواره موجب لذت برای انسان نمی‌شود. از همان زمان هم مردم جنگ را نمی‌پسندیدند، مگر با یک مقدمات فکری و معنوی که روح برای این امر آمادگی پیدا کند. در این صورت جنگ هم مورد پسند قرار می‌گیرد. از همان وقت هم مردم، به خصوص طبقه‌ی جوان ازدواج را دوست داشتند و غذای خوب و خوشمزه خوردن، قطع نظر از این که حلال یا حرام باشد، مورد علاقه‌ی آن‌ها بود. روزه گرفتن هم چون گرسنگی و تشنگی دارد را دوست نداشتند، بلکه خوردن و خوابیدن را می‌پسندیدند. الان هم کم و بیش همان وضعیت صدر اسلام وجود دارد.

بنابراین شناخت خوب و بد از نظر دین اهمیت دارد و نمی‌توان تلقی مردم از خوب بد را ملاک قرار داد و امر به معروف و نهی از منکر را متوجه به آن وضعیت کرد. امر به معروف و نهی از منکر متوجه به دو واقعیتی است که از نظر خدای متعال قابل قبول باشد، اعم از این که خود امر به معروف کننده و یا مخاطب و شنونده این امور، سلیقه‌ی خدای متعال را قبول داشته باشند یا نداشته باشند. این کار بسیار مشکل است و در ابتدا معروف شناس و منکر شناس شدن لازم است. بعد از این مرحله، مکلف شدن به امر به معروف و نهی از منکر تحقق پیدا می‌کند. تا انسان معروف شناس و منکر شناس نشده است، امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب نیست، ولی وظیفه دارد که معروف شناس و منکر شناس بشود.

### وظیفه انسان برای فراگیری احکام دین

اگر بدون شناخت، امر به معروف و نهی از منکر کردیم و اشتباه کردیم یعنی معیارهای الهی در آن وجود نداشت، در قیامت ما را مؤاخذه می‌کنند. اگر جواب دهیم که آگاهی نداشتیم، گفته می‌شود که چرا یاد نگرفتید. در روایات علم و تعلیم و تعلم آمده است: هنگامی که انسان مؤمن را در مورد خلافی که مرتکب شده مورد مؤاخذه قرار می‌دهند، جواب می‌دهد که من به نظرم کار خوبی آمد. به او می‌گویند: "هل لا تعلمت"، چرا به دنبال یادگیری نرفتی تا خوب و بد را تشخیص دهی و به خطا بد را خوب تلقی نکنی؟ کم و بیش در جامعه متعارف شده است که اگر کسی دروغ نگوید و راست بگوید اگر چه به ضرر خودش باشد، مردم او را زیرک و توانا برای زندگی در این دنیا تلقی نمی‌کنند. این روش‌ها برای جلب منفعت، شیطنت است و انسانی که تقوا و اطلاعات مذهبی ندارد به آن مبتلا می‌شود.

در بحث امر به معروف و نهی از منکر، علما روایاتی نقل کرده‌اند. از جمله بنابر یک حدیث نبوی منقول از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، آن بزرگوار فرمودند: زمانی بیاید که آن‌چه که شما معروف می‌دانید و انجام می‌دهید، در آن زمان انجام نمی‌گیرد و آن‌چه که منکر می‌دانید و ترک می‌کنید، در آن زمان ترک نمی‌شود. حضرت در پاسخ اظهار تعجب اصحاب فرمودند: بدتر از این وضعیت هم رخ خواهد داد، یعنی معروف در نزد مردم منکر می‌شود، یعنی چیز خوب را بد فرض می‌کنند و کارهای بد را به تصور این که کار خوبی است، انجام می‌دهند. یعنی بر عکس عمل می‌کنند و نهی از معروف و امر به منکر می‌کنند. به دیگران چیزهای بد را توصیه و پیشنهاد می‌کنند و در مقابل در رابطه با چیزهای خوب به سایرین هشدار می‌دهند که مبادا این کارها را انجام دهید.

در حال حاضر علت این که گروهی از خانم‌های جوان، توصیه پدر و مادر و بزرگان خود را در مورد رعایت حجاب شرعی قبول نمی‌کنند، تحقق همین پیش‌بینی حضرت در جامعه است. به این‌ها القا می‌کنند که اگر چادر به سر کنید و مطابق دستور الهی خود را بپوشانید، کسی شما را به عنوان همسر خود نخواهد پسندید؛ یا به مرد جوانی که مقید به نماز و روزه باشد و دروغ نگوید و غیبت نکند و مال مردم را نخورد، هشدار می‌دهند که با این شرایط کسی به شما زن نمی‌دهد. جوان تازه بالغی که نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد را ملامت می‌کنند. شیطان هم که آن‌جا حضور دارد به گوینده‌ی این مطالب کمک می‌کند، و آن جوان بدبخت را به افطار روزه و ترک نماز مبتلا می‌کند. از سال‌ها قبل این شرایط به وجود

آمده است که اگر یک جوانی در ماه مبارک روزه باشد، و در جایی به او چیزی برای خوردن تعارف کنند، بهانه می‌آورد و شهامت ندارد که بگوید من مسلمانم و روزه هستم، در اسلام در ماه مبارک یکی از وظایف روزه گرفتن است. برای این که انسان مبتلای به گرفتاری و دست‌اندازهایی که او را به سمت جهنم می‌کشاند نشود، باید احکام مبتلا به خود را بدون خجالت یاد بگیرد. در رژیم گذشته آموزگاران بدون توجه به این که دانش‌آموز اصول و فروع دین و شرعیات را یاد گرفته است یا نه، نمره‌ی خوبی به او می‌دادند. بدین ترتیب او را به ترک شرعیات مبتلا می‌کردند. دانش‌آموزان هم از زبان عربی، از یاد گرفتن سور قرآن و احکام متنفر بودند. آن آموزگارها به دلیل این کوتاهی در انجام وظیفه و بچه‌هایی که نادان و بی‌اطلاع از احکام و وظایف شرعی خود باقی ماندند، باید جهنم این‌ها را هم تحمل کنند. الان خیلی بهتر از زمان سابق شده است. کتاب‌ها بهتر و مفصل‌تر شده، و با این درس هم جدی‌تر برخورد می‌کنند. پس از فراگیری احکام مبتلا به، انسان باید شهامت و شجاعت هم از خدای متعال بگیرد و فکر کند که اگر این تکلیف را زیر پا بگذارد، در قیامت عقاب می‌شود، لذا در انجام آن کوتاهی نکند.

### احتمال اثر بخش بودن، شرط دوم در نهی از منکر و امر به معروف

شرط دوم پس از فراگیری احکام، این است که کسی که قصد نهی از منکر یا امر به معروف دارد باید بداند چه بگوید و به گونه‌ای بایستی امر به معروف و نهی از منکر کند که احتمال پنجاه درصد بدهد که کار او مؤثر واقع می‌شود. به عنوان مثال در ماه مبارک رمضان فردی در حال روزه‌خواری دیده می‌شود. در چنین شهری و با وجود این همه مسجد و گوینده‌ی مذهبی نمی‌توان گفت که فرد بی‌اطلاع است. او تصور می‌کند که با روحانیون و افراد مذهبی لجاجتی می‌کند، اما در واقع با خدای متعال لجاجتی می‌کند.

اگر این فرد پنجاه درصد احتمال می‌داد که قیامت و آیات عذاب قیامت که در قرآن کریم ذکر شده است، واقعیت داشته باشد، امکان نداشت این کار را بکند. همان‌گونه که انسان هنگام عبور از خیابان اگر پنجاه درصد احتمال بدهد که حادثه‌ای برای او رخ می‌دهد، هرگز از آن‌جا عبور نمی‌کند. فرد روزه‌خوار شاید کمتر از ده درصد احتمال می‌دهد دینی و احکامی و جهنمی وجود داشته باشد. اگر بیش‌تر احتمال بدهد که به درجه‌ی احتمال عقلایی برسد، خود را کنترل می‌کند.

در امر به معروف و نهی از منکر، حداقل پنجاه درصد احتمال تأثیر لازم است. یعنی اگر انسان هشتاد درصد مظنه دارد که امر به معروف کردن یا نهی از منکر کردن در این مورد، موجب لجاجتی طرف مقابل می‌شود، چه بسا امر به معروف و نهی از منکر حرام می‌شود. مثلاً اگر گرسنگی و جهل و نادانی به کسی فشار آورده است و کفر می‌گوید. اگر به او بگویید: کفر نگو، نجس می‌شوی، مرتد می‌شوی، واجب‌القتل می‌شوی، این فرد به کفرگویی خود اضافه می‌کند. در چنین مواردی نهی از منکر کردن جائز نیست و آن کسی که نهی از منکر می‌کند عقاب می‌شود. انسان باید تا حدودی جامعه‌شناس باشد و فکر کند که نتیجه‌ی برخورد من، امر به معروف کردن من، نهی از منکر کردن من چه خواهد شد؟

### ضرورت توجه به شرایط مخاطب امر به معروف و نهی از منکر

در امر به معروف و نهی از منکر انسان باید شرایط سنی و شرایط اجتماعی، طرف مقابل را در نظر بگیرد. هنگامی که حسنین صلوات‌الله‌علیهما متوجه شدند که وضوی پیرمردی که در مسجد وضو می‌گیرد، اشتباه است، به او سلام کردند و از او خواهش کردند که وضو گرفتن آن دو بزرگوار را تماشا کند و در مورد چگونگی وضوی ایشان نظر بدهد. پیرمرد پس از دیدن آن صحنه گفت: وضوی شما هر دو بزرگوار صحیح است و وضویی که من گرفتم اشتباه بود. نمی‌توان مستقیم به یک انسان مسن گفت که وضوی شما پس از هفتاد سال عمر غلط است، اما وضوی این نوجوان به دلیل این که آموزش مناسب دیده است صحیح است.

بنابراین اگر کمتر از پنجاه درصد احتمال تأثیر و نتیجه‌گیری داده شود و مظنه این است که وضع بدتر بشود یا هیچ ترتیب اثر داده نشود امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست. بلکه در مواردی که به آن اشاره شد و وضعیت طرف مقابل بدتر می‌شود، نهی از منکر کردن یا امر به معروف کردن حرام می‌شود. در شرایط کنونی کسی نمی‌تواند در قیامت، در پاسخ به این سوال که چرا به وظایف عمل نکردی؟ بگوید نمی‌دانستم. مگر این که در جایی زندگی کند که به هیچ وجه دسترسی به روحانی و مسئله‌دان، یا بعضی از رسانه‌هایی که متکفل بیان احکام هستند نداشته باشد.

اولین خاصیت به تن داشتن لباس روحانیت این است که انسانی که دارای اطلاعات کافی است، خود را در معرض سؤالات مذهبی مردم قرار می‌دهد. اما وقتی که مانند ترکیه لباس همه متحدالشکل باشد، برای مردم این مشکل ایجاد می‌شود که نمی‌توانند به سرعت به روحانی دسترسی پیدا کنند و به جواب سوال خود برسند. ممکن است مقدار زیادی از وقت یک روحانی که در جامعه با لباس روحانیت حضور پیدا می‌کند صرف شود که جواب سؤالات مردم را بدهد، ولی انسان وقتی که مسئله را پرسید، دیگر جاهل نیست، دانا است. بدین ترتیب حجت بر این فرد سوال کننده تمام می‌شود و اگر مبتلا به خلاف کاری شد، حتماً مجازات می‌شود.

### ضرورت فراهم کردن شرایط امر به معروف و نهی از منکر

بعضی از احکام در شریعت اسلام، احکام مشروط است. مثلاً واجب مشروط داریم. مثال معروف وجوب حج است: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» حج بر کسانی که مستطیع شده‌اند واجب است. استطاعت هم به سه چیز است: استطاعت مالی و استطاعت طریقی و استطاعت بدنی. اگر انسان این سه توانایی و قدرت را پیدا کرد، بر او واجب است که به مکه برود. چون حکم یک حکم مشروط است، اگر استطاعت پیدا کرد، بنابراین به دست آوردن استطاعت واجب نیست؛ یعنی اگر کسی پول ندارد، واجب نیست خود را تحت فشار قرار دهد که به اندازه‌ی مکه رفتن پول پیدا کند یا بیماری خود را درمان کند که استطاعت بدنی برای رفتن حج پیدا کند، یا مثلاً به سختی گذرنامه تهیه کند. زیرا واجب یک واجب مشروط است.

متأسفانه در کتب مهم محکمی که نویسندگانش آن‌ها هم در باب امر به معروف و نهی از منکر محکم بوده‌اند، وجوب مطلق را از وجوب مشروط جدا نکرده‌اند و به گونه‌ای مطلب نوشته‌اند که انسان تصور می‌کند این امور از واجبات مشروط است. چنین نیست. بلکه واجب مطلق است که اگر انسان به دنبال آموختن شرایط آن نرود و یاد نگردد، در قیامت به او می‌گویند: "هَلْ لَا تَعْلَمُ". به دلیل آیه‌ی کریمه، «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ»، این تکلیف مدال افتخاری است که خدای متعال به سینه‌ی مسلمین زده است. هیچ امتی مثل شما نبود، که بر عهده‌ی همه، امر به معروف و نهی از منکر واجب باشد، این مدال افتخار هنگامی تحقق پیدا می‌کند که مسلمین یاد بگیرند، و امر به معروف کنند. اما اگر امر به معروف نکنند، دیگر «خَيْرَ أُمَّةٍ» نیستند و مثل سایر امم هستند.

در واجب مطلق اگر به عنوان مثال انسان مسافرت رفته و در یک شرایطی قرار گرفته که نه دست او به خاک و سنگ می‌رسد که تیمم کند، نه دست او به آب می‌رسد که وضو بگیرد و نماز بخواند. برخی از فتاوا این است که کسی که آب و خاک به دست او نمی‌رسد نماز از گردن او ساقط است. اما چون نماز واجب مطلق است، روز قیامت به او می‌گویند چرا نرفتی امکانات لازم را به دست بیاوری؟ زیرا در واجب مطلق، باید تا آن جایی که بتوانی امکانات و شرایط آن را به دست بیاوری.

بنابراین هرچند عدم تحقق شروط موجب می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر واجب نباشد اما نمی‌توان گفت که این شخص در قیامت هیچ مشکلی ندارد. این مسئله دقیق است و بایستی روایات آن از هم جدا بشود تا برای انسان روشن شود.